

یک همبستگی پر شور

نمایندگان اتحادیه های کارگری استان در استرالیا با جعفر عظیم زاده و کارگران زندانی در ایران اعلام همبستگی کردند

صفحه ۱۰



گزارشی از اکسیون اعتراضی در مقابل ساختمان کنفرانس سازمان جهانی کار

محورهای اصلی سخنرانی ها همبستگی با کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران، اعتراض علیه اجرای احکام قرون وسطایی شلاق در قبال کارگران آق دره، حمایت از مبارزات کارگران، معلمان و مردم ایران علیه فقر و ریاضت اقتصادی و برای خواسته های برحقشان و بطور مشخص حمایت از جعفر عظیم زاده و خواسته های

صفحه ۴

روز ۶ ژوئن بنا بر فراخوان ۵ اتحادیه کارگری در فرانسه و احزاب چپ و سازمانهای کارگری، میتینگ بزرگی در مقابل کنفرانس سازمان جهانی کار برگزار شد. در این اکسیون اعتراضی بیش از ۱۵۰ نفر گرد آمده بودند. هیئتی از حزب کمونیست کارگری ایران مرکب از محمد شکوهی، جمیله میرکی، لیلا شعبانی و ناصر کشکولی در این میتینگ حضور داشتند.

اقتصاد ایران با چه معضلاتی روبروست؟

گفتگو با کاظم نیکخواه

صفحه ۲

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

متن پیاده شده سخنرانی مینا احدی

در کلن آلمان در دفاع از حقوق پناهندگان

صفحه ۳

از ما میپرسند:



چرا هنوز به دیکتاتوری پرولتاریا معتقدید؟

صفحه ۹

علی جوادی پاسخ می دهد:

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۶۴

جمعه ۲۱ خرداد ۱۳۹۵، ۱۰ ژوئن ۲۰۱۶

یادداشت های هفته

عمیر تقوایی

نقطه عطف در حرکت اعتراضی
عبدی-عظیم زاده

باز هم حکم شلاق:

سگی که خوابیده پارس میکند!

صفحه ۵

نامه هایی از همبستگی جهانی

کارگری با کارگران ایران

صفحه ۸

اتحادیه کشتیرانی استرالیا خواستار لغو

عضویت رژیم اسلامی

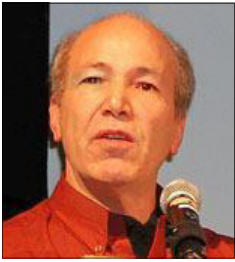
در سازمان جهانی کار شد

صفحه ۸

در پاسخ به فراخوان کمک مالی

به حزب

صفحه ۱۰



اقتصاد ایران با چه معضلاتی روبروست؟

گفتگو با کاظم نیکخواه

انترناسیونال: جمهوری اسلامی شندیل در تکاپوی جذب سرمایه های خارجی در ایران است. محمد جواد ظریف در مصاحبه ای در سوئد گفت: محیطی بهتر از ایران برای سرمایه گذاری وجود ندارد. بنظر شما این "بهترین محیط سرمایه گذاری"، چه خصوصیتی دارد؟

در ایران سرمایه گذاری جدی بکند باید اول با مراکز قدرت و باندهای مافیائی آقا زاده ها و سپاه پاسداران در ارتباط و معامله قرار گیرد. این باعث میشود که سرمایه گذاری در ایران با کندی و محدودیت پیش برود و پاسخگوی نیازهای این اقتصاد بحران زده نباشد.

انترناسیونال: آیا فکر می کنید رژیم میتواند محیط مناسب و امنی برای سرمایه های خارجی فراهم کند؟

کاظم نیکخواه: موانع سرمایه گذاری در ایران بسیار جدی است. این موانع بیشتر از اینکه اقتصادی باشد سیاسی است و به نفس وجود جمهوری اسلامی و نهادهای قدرتی که ایجاد کرده مربوط میشود.

هرکسی به زبانی دارد این را بیان میکند. چند هفته پیش جان کری وزیر امور خارجه آمریکا در پاسخ به طرفهای ایرانی که از آمریکا انتقاد میکردند که چرا خبری از سرمایه گذاری در ایران از جانب سرمایه داران غربی نیست، گفت سرمایه داران احساس امنیت نمیکند. این امنیت را ما نمیتوانیم به آنها بدهیم شما باید بدهید. قبل از آن حدود یک ماه پیش سه مجله غربی مشهور و لیبرال غربی یعنی مجله اکونومیست، فوربس و نیویورک تایمز همزمان به بررسی امکانات و موانع سرمایه گذاری در ایران پرداختند. هر سه در این مورد اتفاق نظر داشتند که مساله امنیت و بی ثباتی مشکل اصلی در ایران است.

به موانع مهم دیگری هم اشاره کردند از جمله رشد نیافتگی و بقول آنها 'کم عمقی' اقتصاد ایران که امکان جذب نقدینگی زیاد را ندارد و اگر پول زیاد در آن وارد شود کلا قفل میکند و بهم میریزد. چون امکان جذب را ندارد. امیدوارم در ادامه بحث به جنبه هایی از این نکات بپردازیم.

بی ثباتی سیاسی که این کارشناسان مطرح میکنند قابل توجه است. اشاره شان به همان فضایی است که ما بارها در مورد آن بحث کرده ایم که هر آن ممکن است در ایران کشاکش جناحهای حکومت و یا

شورش و انقلابی صورت گیرد و اوضاع را بهم بریزد. نظیر آنچه که در سال ۸۸ شاهدش بودیم. که حکومت اسلامی را تا لبه سقوط پیش برد.

بعبارت دیگر حکومت اسلامی در اقتصاد با مانع وجود خودش مواجه است. این حکومت صفوفش را در شرایط ویژه ای با ایدئولوژی اسلامی و ضد غربی گری شکل داده. الان همینها مزاحمش هستند و هیچ کس قدرت این را ندارد که این آرایش را به هم بزند. این يك مانع است. مانع دیگر شرایط سیاسی در جامعه است. فضای جامعه بشدت انفجاری است. مردم مترصد فرصت هستند تا حکومت تاجر و کشتار و اعدام را به زیر بکشند. این هم خود باعث میشود حکومت اسلامی جرات نکند به ترکیب نیروهایش دست بزند. وجود جنگ و کشاکش جناحهای حکومت و فضای اعتراضی و انفجاری در جامعه معضل مهلکی را برای اقتصادی جمهوری اسلامی ایجاد کرده است.

انترناسیونال: یعنی فقط مشکل سیاسی مانع است؟

کاظم نیکخواه: نه بهیچوجه. نکته ای که میخواهم بگویم اینست که مشکل سرمایه داری ایران اینست که از نظر اقتصادی بی نهایت انگلی و رانت خوارانه و چپاولگرانه است. از نظر روال کارکردش مافیائی است. و از زاویه دولت و قوانین اسیر دست ایدئولوژی اسلامی و ضد غربی گری است. اما اول باید موانع سیاسی کنار برود که بتواند تکان بخورد. بگذارید به يك مانع جدی اقتصادیش بیشتر بپردازیم. اگر يك سیستم متعارف گردش سرمایه را در نظر بگیرد اساسا با تولید ارزش اضافه میچرخد. این خودش دزدی است. اما يك نوع معین از دزدی که بدرجه ای پوشیده و نهادی است و با تولید عجین است. یعنی به بیان ساده کارگر را به کار میگیرد، استثمار میکند و سود بالا میکشد. اما سیستمی که تماما انگلی و غارتگر است زیاد به تولید کاری ندارد. سرمایه دار اینجا با رشوه و دزدی از

خرانه دولتی و تامین اجتماعی و رانت خواری و دلالی و سفته و سهام بازی پولهای عظیم و بادآورده جمع میکند.

نمیخواهم سرمایه داری غربی و غیره را تیره کنم. اشاره کردم سرمایه داری حتی وقتی هم که خیلی متعارف است اساسش روی دزدی از دسترنج و کار کارگر است و بویژه الان در شرایط تاریخی کنونی در اکثر جاها دارد از گسترش تولید دورتر و دورتر میشود و از طریق تکنولوژی جدید به ایجاد نهادهای مجازی و پول اندوژی سریع از طریق سفته و سهام و بورس و دلالی رو می آورد.

دوره کنونی دوره یکه تازی سرمایه مالی و مجازی و دلالی در همه جای دنیا است.

در ایران اما این سیستم فقط انگلی و گنبدیده نیست. مافیائی هم هست. دوری و نزدیکی به مراکز قدرت برای سرمایه دار حیاتی است. یعنی وقتی کسی بخواهد از این سیستم پول دریاورد کافی نیست که دزد و حریص و بی رحم باشد باید بتواند وارد خانواده مافیائی اقتصادی شود تا حاشیه امن داشته باشد. و این کار ساده ای نیست. يك شبه امکانش وجود ندارد. جنگ و رقابت در این سیستم بسیار بالاست. هرکس که زودتر آمده حق آب و گل دارد. روابط خانوادگی و فامیلی و پارتی بازی مهم میشود. رابطه با مراکز اصلی سپاه و باندهای مسلح و نیروهای انتظامی و بیت رهبری مهم میشود. والی آخر. این مساله ای بسیار جدی در ایران است. که هیچکس نمیتواند بسادگی آنرا دور بزند. حتی خود دست اندرکاران حکومت اکثرا تابع این سیستم مافیائی هستند و کار زیادی از دستشان بر نمی آید حتی اگر بخواهند.

انترناسیونال: جمهوری اسلامی برای ساختن "بهترین محیط سرمایه گذاری" چه اقداماتی کرده و یا می تواند انجام دهد؟

کاظم نیکخواه: تلاشهای زیادی دارند میکنند. این روزها صدها نهاد و سازمان ویژه سرمایه گذاری ایجاد

شده است که دارند با طرفهای خارجی بحث میکنند تا آنها را به سرمایه گذاری در ایران تشویق کنند. کنفرانسها، ملاقاتها، تبلیغات، و رفت و آمدها بسیار فعال است. اما دست اندرکاران اقتصادی جمهوری اسلامی اعتراف میکنند که توفیق چندانی در زمینه گسترش سرمایه گذاری خارجی نداشته اند. ما داریم از اقتصادی حرف میزنیم که سالهاست زمین گیر شده است. دچار بحران سی چهل ساله است. فساد سرتاپایش را گرفته است.

به همین دلیل همین تلاشها و نهادها هم به منبع رانت خواری و پول بالا کشیدن تبدیل شده است و کار زیادی انجام نمیدهند. "مرکز تحقیقات استراتژیک" وابسته به وزارت خارجه حکومت اسلامی اخیراً در رابطه با مشوقهای سرمایه گذاری نوشته است این مشوقها به سرمایه گذاری جلی نینجامیده است بلکه کسانی وارد میدان سرمایه گذاری شده اند که سرمایه گذار نبوده و صرفاً با بهره گیری از شرایط رانتی اقتصاد و سوء استفاده از امتیازات و تسهیلات اعطایی، اقدام به فعالیت کرده اند. ارائه ارز ارزان قیمت، تسهیلات بانکی و معافیتهای مختلف زمینه ساز ایجاد رانت است. این مساله، روند سرمایه گذاری و تولید را دچار اختلال کرده است. وقتی به تبلیغات و فضا سازی میرسیم همین ها را در بوق و کرنا میکنند که چقدر برای تشویق سرمایه گذاری پول خرج کرده اند. اما در عمل همانطور که می بینیم به جیب چند تا آقا زاده و آخوند و پاسدار کلاش ریخته شده است.

تلاشهای دیگری هم انجام میدهند و يك مقدار ناچیزی هم با کنار رفتن تحریمها سرمایه گذاری ها در ایران راه افتاده است. اما اقتصادی که سالهاست دچار رکود و بحران و تورم است به این سادگی ها از جا تکان نمیخورد و همه پولها و سرمایه

صفحه ۴

متن پیاده شده سخنرانی مینا احدی در کن آلمان در دفاع از حقوق پناهندگان



دوستان گرامی!

هر يك از شما که مدتی است در آلمان هستید، شمایی که از ایران و افغانستان و سوریه و هر کشور دیگری برای يك زندگی بهتر به اینجا آمده اید، شمایی که راه طولانی را طی کرده و از مرگ در راه فرار به اروپا و غرق شدن در دریاهای خوشبختانه نجات یافته و اکنون در آلمان هستید، می بینید که این جامعه نیز مشکلات خود را دارد. اولین نکته ای که می خواهم روی آن صحبت کنم اینست که بیش از يك میلیون پناهنده در موج جدید پناهندگی وارد کشور آلمان شده اند. باید با صدای بلند گفت اینها انسانهایی هستند با گذشته خودشان، با ایده آلهای خودشان و با امکاناتی که با خودشان به این جامعه آورده اند.

باید کاری کرد که به همه این انسانها برخوردی انسانی بشود. ما در آلمان و اروپا مدتی شاهد فرهنگ خوشامدگویی اجتماعی و عمومی بودیم. اکنون متأسفانه به دلایل متعددی این فرهنگ کم رنگ تر شده و بویژه جریانات دست راستی سعی میکنند فضایی ضد پناهندگان و بخصوص ضد کسانی که مهر مسلمان برای پیشانی آنها زده اند، ایجاد کنند.

اینجا می خواهم بگویم شما وارد جامعه ای شده اید، با مشکلات خاص خود با امکانات خاص خود، اگر ما این جامعه را بشناسیم هم میتوانیم شانس ماندن در اینجا را داشته باشیم هم زندگی عادی برای خودمان سازمان میدهیم و هم منشا اثر مثبت در این جامعه میشویم.

همینطور که الان مبینید فرق نمی کند از ایران یا افغانستان آمده باشید یا در آلمان زندگی کنید این جامعه طبقاتی است دولت و سیستم طبقاتی عمل میکنند، در ایران آخوند و دستگاه حاکمه مبتنی بر اسلام و در اینجا احزابی را می بینید که سالهای سال در قدرت هستند و به حرف مردم در کوچه و خیابان گوش نمیدهند. به حرف پناهندگان که کمتر کسی گوشش بدکار است. تفاوت اینجا با ایران و

افغانستان اینست که میتوان با متحد شدن و استفاده از مکانیزم های همین جوامع منشا اثر شد و تغییر ایجاد کرد.

اینجا میتوان جلسه گرفت تظاهرات کرد و به زندان نرفت و ترسی از این چیزها نداشت. اینجا اعدام وجود ندارد ولی مکانیزم هایی هستند که صدا را جلی نمیگیرند و یا خفه میکنند، اینها را بتدریج در این جامعه خواهید شناخت. نکته ای که اینجا می خواهم تاکید کنم اینست يك میلیون پناهنده و يك سیاست غلط از طرف دولت آلمان و اروپا که مستقیماً به شما ربط دارد و این سیاست قبلاً هم بوده و باید مورد اعتراض گسترده همه ما باشد.

سیاست مبتنی بر تقسیم مردم بر اساس تعلق مذهبی اشان. من در سال ۱۹۹۰ وارد اروپا شدم، اول در وین بودم و اکنون از ۱۹۹۶ در آلمان هستم، در آن مقطع به ما بخاطر قیافه و رنگ مو و غیره میگفتند خارجی و مباحثات متمرکز بود بر اینکه با خارجیها چه کنیم، به مرور زمان همه کسانی که از ایران و عراق و افغانستان و... آمده اند، مهر مسلمان روی آنها زدند.

بنابر این باید این روند را شناخت. چرا بر پیشانی میلیونها نفر مهر مسلمان زدند. دولت آلمان از ده پانزده سال پیش میگوید ۴ میلیون مسلمان ساکن آلمان هستند.

چرا؟ واقعیت اینست که مهر مسلمان خوردن روی پیشانی همه مستقیماً به روی کار آمدن حکومت اسلامی و جنبش اسلامی ربط دارد.

در ایران حکومت اسلامی در افغانستان طالبان و مجاهدین افغان و در کشورهایی از این نوع ... يك جنبش سیاسی به حرکت درآمد و دولت آلمان با این حکومتها و با این جنبش همواره کنار آمده و همکاری کرده است. در آلمان سیاست رسمی حکومت این بود که سعی کرد روی میلیونها نفر مردم رنگ مسلمان بزند و با همکاری با سازمانهای اسلامی بخيال خود با خطر ترور در آلمان هم مقابله کند.

اگر به تلویزیون آلمان دقت کنید از صبح تا شب بحث اسلام است. چرا اسلام تا این حد مهم شده، بدلیل اینکه جنبش اسلامی يك جنبش فعال در خاورمیانه و شمال افریقا است بدلیل اینکه این جنبش با ترور و وحشیگری زندگی های بسیاری را به گروگان گرفته است. دولتهای غربی بدلیل کنار آمدن و داشتن روابط حسنه اقتصادی و سیاسی با عربستان سعودی و حکومت اسلامی در ایران و دولت افغانستان و غیره با آنها کنار می آیند و با نمایندگان آنها در مساجد و مراکز اسلامی در اروپا و آلمان هم میسازند.

همه شما دیده اید که به محض ورود به آلمان به صرف اینکه از ایران آمده اید، میگویند مسلمان هستید مستقل از اینکه چقدر مذهبی هستید و یا نیستید و یا اصلاً مذهب دارید و یا ندارید، میگویند حتماً مذهب داری علامت بزن مسلمان.

الان هر کس که از کشورهای اسلام زده آمده در محیط کار و در همه جا با این سوال روبرو است مذهب چیست، مذهب از شکل يك عقیده خصوصی و امر شخصی در آمده و تبدیل شده است به بخشی از هویت اجتماعی آدمها - این يك نوع عقب گرد است، برگشت به دوران قرون وسطی!

ما در سال ۲۰۰۷ در آلمان يك کمپین اعلام کردیم با عنوان ما از مذهب دست کشیده ایم. اینرا علنی اعلام کردیم، چرا که سازمانهای اسلامی در این کشور، خود را نمایندنده مردم به اصطلاح مسلمان عنوان کرده و دستگاه مذهب و اسلام در اینجا نیز سهم خواهی میکرد.

ما گفتیم بر خلاف محکومیت به مرگ بدلیل ارتداد، در کشورهای اسلام زده، تعداد زیادی از مردم از اسلام دست کشیده اند و زندگی خود را ادامه میدهند

اینجا می خواهم بگویم مکانیزم های جامعه آلمان را باید شناخت ما قبل از این کمپین علیه کنفرانس اسلام بودیم، کنفرانسی که دولت آلمان سازمان داده بود با اسلامیها و میگفت از طریق آخوند و مسجد

میخواهد مسلمانان را در جامعه آلمان ادغام کند. تظاهرات ها و اعتراضات ما در هیچ رسانه ای منعکس نمیشد. با اعلام کمپین اکس مسلم سیل رسانه ها بسوی ما روان شد و در کنفرانس مطبوعاتی ما در برلین بیش از يكصد رسانه بین المللی و اروپایی حضور داشتند.

الان شما در هایم های پناهندگی اگر نخواهید طبق قوانین شریعه زندگی کنید چه برسد به اینکه آنتیست و بیخدا باشید مشکل دارید، حتی پناهندگانی که ما مراجعه میکنند میگویند چون مشروب میخورم و یا گوشت خوک در هایم ها تهدید میشوم. تعداد زیادی از پناهندگان سکولار و بیخدا از کشورهای عربستان سعودی، سوریه، پاکستان و... با ما تماس میگیرند چون اسم اکس مسلم معروف هست برای ما ایمایل میفرستند و میگویند باید دور هم جمع شویم و همه باهم اعلام کنیم ما از قوانین سکولار در امر پناهندگی دفاع میکنیم، بگویم تعداد زیادی از ما سکولار و آنتیست هستیم و اینجا آمده ایم برای يك زندگی بهتر و برای آزادی عقیده و بیان که در آنجا نداشتیم. ما می خواهم فرهنگ مدرن را نمایندگی کنیم نه اینکه اینجا يك آخوند بیاید و از شریعه دفاع کند و کار ما را اینها پیگیری کنند ما از دست همین ها فرار کرده ایم.

در آلمان این سازمانهای اسلامی هر جا که نفوذ و امکانات دارند، جامعه را به قهقرا میبرند. اینها باعث جدایی و تنش در جامعه میشوند. جنگ و دعوا در هایم ها اکنون بسیاری به این مربوط است که تعدادی اسلامی در همه چیز دخالت میکنند. پناهندگانی که مذهب برایشان يك امر خصوصی است و یا اصلاً مذهبی ندارند، همیگر را پیدا کنند و خواهان يك محیط غیر مذهبی و سکولار در هایم ها بشوند. ما می خواهم قوانین در کمپ ها سکولار باشد.

دومین خواستی که داریم امنیت برای کسانی هست که از مذهب اسلام صفحه ۷

اقتصاد ایران با چه معضلاتی روبروست؟

از صفحه ۲

گذارها و تلاشها را مثل حفره های سیاه فضایی می بلعد و محو میکند.

انترناسیونال: آیا جذب سرمایه های خارجی کمکی به بحران اقتصادی رژیم می کند؟

کاظم نیکخواه: اقتصاد ایران به دلیل کل شرایط وجودی جمهوری اسلامی کج و معوج رشد کرده است. پایه اساسیش روی نفت است که در دست دولت است. و دولت هم از یک مجموعه آخوند و پاسدار و آقازاده دزد و مولتی میلیاردر دزد تشکیل شده است. طی سالهای اخیر و با تحریم آمریکا و غرب، سرمایه چینی و روسی در ایران نفوذی به هم زده است. اما اینها هم اساسا سرمایه های تجاری و وارداتی هستند و بدرجه ای که در ایران وارد سرمایه گذاری شده اند با همان مراکز قدرت مرتبط شده اند. کل این مجموعه یک بلوک قدرتمند مالی و مافیائی ایجاد کرده است که تکان دادن آن کار

ساده ای نیست.

بحران اقتصادی در ایران را باید با به حرکت در آوردن تولید حل کرد. بیکاری گسترده، گرانی و تورم مزمن، رکود تولید اینها مختصات بحران اقتصادی در ایران را نشان میدهند. چگونه میشود اینها را از بین برد؟ چه کسی میخواهد اینها را از بین ببرد؟ یک تصویر سازی ساده از جانب ملی اسلامی ها و طرفداران دولت روحانی این بود که بعد از قرارداد کلابی "برجام" سرمایه داران خارجی می آیند و وسیعا سرمایه گذاری میکنند و تولید را راه می اندازند و همه چیز خوب و خوش پیش می رود. الان خیلی ها فهمیده اند که اینها همه اش خوش خیالی و یا عوامفریبی بود.

نه تولید فعال شده است، نه بیکاری کم شده است نه گرانی و تورم کاهش یافته است. حتما افت و خیزها و یک تغییرات محدودی صورت میگیرد. اما موانع اصلی همانطور که گفتیم برجای خود باقی است و به این

سادگیها کنار نخواهد رفت.

شعراهایی که در مورد "اقتصاد مقاومتی" و "ایستادن روی پای خود بدون نفت" و امثال اینها بیشتر تبلیغات سیاسی یک جناح حکومت در مقابل جناح دیگر است تا برنامه اقتصادی. و اتفاقا همینها هم نشان میدهد که مشکل اساسی بر جای خود باقی است.

انترناسیونال: چه تغییری در زندگی کارگران و وسایر اقشار مردم قابل تصور است؟
کاظم نیکخواه: قربانی اصلی این شرایط اقتصادی نابینجار در ایران کارگران هستند. هیچکس بیش از کارگران در ایران زیر فشار نیست. اقشار دیگر مردم هم بسته به اینکه به کجای اقتصاد وصل باشند متحمل فشارهایی میشوند. بخش اعظم مردم ایران قدرت خریدشان بسیار پایین است و باید برای تهیه نان شب مدام دوندگی کنند. اما اگر شما کارگر باشید. شاغل بودنتان به معنای دست و پنجه نرم کردن با حقوق های زیر خط فقر است. و در عین حال تهدید بیکاری مدام بالای

سر شما خواهد بود. و نپرداختن دستمزدهای زیر خط فقر را تجربه میکنید و هزار مساله و فشار و مصائب دیگر.

شرایط نسبتا جدیدی که ایجاد شده برای کارگران بخودی خود بهبودی را در بر نخواهد داشت. کارگر باید برای بقا بجنگد و مبارزه کند و حق و حقوقش را از حلقوم یک مشت حریص و مفتخور بی خاصیت بیرون بکشد. اما یک تفاوت که میشود حس کرد اینست که صفوف حکومت در برابر کارگران شکننده تر شده است. تشدید تناقضات در صفوف حکومتی ها باعث شده است که کارگران بتوانند بیشتر صدایشان را به هم برسانند و فشار بیشتری روی حکومت و کارفرمایان بگذارند.

اخیرا شاهد بودیم که دادگاههای جمهوری اسلامی علیه کارگران معدن طلای آق دره در تکه تکه حکم شلاق دادند و ۱۷ کارگر را شلاق زدند. این گستاخی و شقاوت حکومتی ها اما فقط از جانب کارگران و جناح چپ نبود که مورد

حمله و اعتراض قرار گرفت. حتی از درون صفوف حکومت سروردا ها بلند شد و حتی یکی از نمایندگان مجلس آرا قرون وسطائی خواند. و نهایتا مجبور شدند مدیر کل کار استان آذربایجان غربی را برکنار کنند. این اتفاق خیلی سمبلیک دوره کنونی را بیان میکند. یعنی هم کارفرمایان و دولت سعی میکنند با خشونت اعتراضات را خفه کنند، و هم مقاومت و اعتراض و مقابله با این سیاستها جدی و گسترده و جهانی خواهد بود، و هم در صفوف حکومت شاهد شکافهای بیشتر و بیشتری خواهیم بود. این آن تغییر فوری است که شاهدش هستیم و خصلت این دوره را بیان میکند. بهرحال برای کارگران راه دیگری جز تشدید مبارزه علیه تعرض سرمایه داران نخواهد بود. حتی اگر فرض کنیم سرمایه گذارهای گسترده خارجی صورت گیرد، معنایش تشدید فشار به کارگران است نه برعکس.
انترناسیونال: با تشکر از شرکت شما در این گفتگو.

گزارشی از اکیسون اعتراضی ...

از صفحه ۱

او از جمله خواست مشخص لغو پرونده های مفتوحه برای کارگران، معلمان و فعالین سیاسی تحت عنوان "اخلال در نظم و امنیت ملی" بود.

این میتینگ که به مدت چند ساعت جریان داشت با صحبت مجری برنامه شروع شد و نمایندگان تعدادی از سازمانها و نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران بیانیه های خود را برای جمع قرائت کردند. محمد شکوهی، جمیله میرکی و لیلیا شعبانی از جمله سخنرانان این میتینگ اعتراضی بودند که ضمن دفاع از مطالبات کارگران ایران بر آزادی کلیه فعالین کارگری، معلمان زندانی و زندانیان سیاسی، بر خواست های بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی تاکید کردند. سخنرانان حزب همچنین به حضور جمهوری اسلامی در نشست سازمان جهانی کار بعنوان حکومت شلاق و سرکوب و اعدام اعتراض کردند و خواهان اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان و کلیه نهادهای بین المللی شدند. صدها نسخه از نامه های حزب کمونیست کارگری به آل او و سازمان های کارگری و نهادهای مدافع حقوق انسان و بیانیه ها و نامه های کمپین برای آزادی کارگران زندانی توسط هیئت حزب کمونیست کارگری ایران در میان شرکت کنندگان در این میتینگ پخش شد و به تعدادی از نمایندگان آل او و پوشه هایی از مجموعه اسناد حزب کمونیست کارگری و کمپین

برای آزادی کارگران زندانی تحویل گردید.

هیئت حزب کمونیست کارگری ایران پلاکاردی با شعار جمهوری اسلامی باید از آل او اخراج شود، با خود همراه داشتند. پلاکاردهای دیگری نیز با شعار سرنگون باد جمهوری اسلامی در این میتینگ برافراشته شده بود. پوسترهایی تعدادی از کارگران زندانی از جمله بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی، جعفر عظیم زاده، و نیز اسماعیل عبدی، رضا شهابی و تعداد دیگری از کارگران و معلمانی که علیه شان پرونده تشکیل شده و به زندان محکوم شده اند و همچنین پوسترهایی از شاهرخ زمانی، یکی از رهبران کارگری که در زندان جمهوری اسلامی درگذشت، در این میتینگ به چشم می خورد.

در این میتینگ که هر سال در روز ۶ ژوئن در مقابل آل او برگزار میشود فعالین نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران، اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران، فعالین حزب کمونیست کارگری و فعالین برخی دیگر از احزاب و گروه های چپ و کمونیست شرکت داشتند.

لازم به توضیح است که هیئتی از حزب کمونیست کارگری در اولین روز اجلاس سازمان جهانی کار در ژنو نیز حضور داشتند، پوسترهایی از جعفر عظیم زاده را در سالن آل او نصب کردند و صدها نسخه از بیانیه های خود را در میان نمایندگان در داخل سالن آل او توزیع کردند. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری

ایران

۷ ژوئن ۲۰۱۶



یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

نقطه عطف در حرکت اعتراضی عبدی-عظیم زاده

اخیرا اطلاعاتی‌ای از جانب دو فعال سرشناس جنبش کارگری در زندان، بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی، در اعلام حمایت مجدد از بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی و درخواست از جعفر عظیم زاده برای پایان بخشیدن به اعتصاب غذایش منتشر شده است. این درخواست هم از نقطه نظر سلامتی جعفر که همه به شدت نگران حالش هستند و هم از نقطه نظر تقویت و ادامه جنبشی که با بیانیه مشترک شروع شده است نقش تعیین کننده‌ای دارد.

بیانیه مشترک کیفرخواستی است علیه "شرایط معیشتی طاقت فرسای کارگران و معلمان و دیگر زحمتکشان کشور" و نفی و پایمال شدن "ابتدایی ترین حقوق انسانی" آنان. عظیم زاده و عبدی در پایان این بیانیه اعلام میکنند که برای رسیدن به خواسته‌هایشان دست به اعتصاب غذا خواهند زد و این اعتصاب از همان روز انتشار بیانیه شروع شد. عبدی بعد از آزادی از زندان به قید وثیقه بنا بر توافق قبلی به اعتصاب خود پایان داد اما اعتصاب جعفر ادامه یافت و اکنون پس از چهل روز سلامتی او در معرض خطر جدی قرار دارد.

در یک سطح عمومی اعتصاب غذا شیوه مناسب و کارآئی برای یک مبارزه تعرضی و اجتماعی نیست اما یک زندانی سیاسی آنهم در شرایط دیکتاتوری جمهوری اسلامی آلترناتیو چندانی برای بلند کردن صدای اعتراضش ندارد. در چنین شرایطی اعلام اعتصاب غذای عظیم زاده و عبدی نقطه آغازی بود که توانست توجه‌ها را به بیانیه مشترک جلب کند و حمایت‌های وسیعی را بدنبال داشته باشد اما این حمایت از خواسته‌ها و اهداف بیانیه بود و نه از شیوه اعتصاب غذا. از همان آغاز بسیاری از نهادها از جمله اتحادیه‌های کارگری فرانسه، ضمن حمایت از خواسته‌های بیانیه خواستار ختم اعتصاب غذا شدند. اکنون بعد از گذشت بیش از پنج هفته از اعتصاب غذا روشن است که ادامه این اعتصاب هم از نقطه نظر انسانی و سلامتی جعفر عظیم زاده و هم از نقطه نظر تداوم و گسترش حرکت و مبارزه‌ای که با بیانیه شروع شد شیوه درست و کارآئی نیست. حتی میتواند پیشرویه‌ها و دستاوردهائی که تا همینجا این حرکت داشته است را کم رنگ کند و تحت الشعاع قرار بدهد.

در شرایط حاضر به درست وضع جسمی و سلامتی جعفر در محور توجه‌ها قرار گرفته است. بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی در ابراز نگرانی از حال جعفر تنها نیستند. این نگرانی همه کارگران و معلمان و همه سازمانهای سیاسی و تشکلهای فعالینی است که در ایران و در جهان به حمایت از بیانیه مشترک برخاسته‌اند. اکنون سلامتی جعفر عظیم زاده و نجات جان او به یک خواست عمومی تبدیل

باز هم حکم شلاق: سگی که خوابیده پارس میکند!

میان اصلاح طلبی و اصولگرایی بلکه جنبش فعال و معترض و در حال انفجار است. از یکسو در برابر اعتراضات و اعلام محکومیتها به دست و پا افتاده اند و از سوی دیگر

نمیخواهند این بحساب عقب نشینی شان گذاشته بشود. مثل سگی که خوابیده پارس میکند نه توان تعرض دارند و نه میخواهند خود را از تک و تا بیاندازند. اعتراض علیه شلاق چنان گسترده شده است که حتی انجمن های اسلامی و رسانه های حکومتی نتوانستند بی صدا از کنارش بگذرند. در مورد همین حکم اخیر شلاق علیه کارگران بافق خبرگزاری فارس از قول یک فعال کارگری

مینیوسد "این نوع برخوردها مصداق عدم انجام تعهدات سازمان بین المللی کار و بند «ماده ۵۷ قانون برنامه پنجم توسعه کشور است» و اعلام میکنند "اینگونه برخوردهای قضایی با مباحث صنفی، راه را برای ناراضیاتی زیرپوستی در جامعه هموار کرده و به دنبال آن موجب ناهنجاری‌های عدیده در جامعه خواهد شد".

اما ناراضیاتی‌ها - که مدتهاست از حالت زیر پوستی خارج شده و علنی و عریان و با صدای بلند فریاد زده میشود - و اعتراضات وسیع علیه مجازات شلاق بخاطر نقض قوانین سازمان بین المللی کار و یا قوانین کشوری نیست، بلکه وحشیانه و قرون وسطائی بودن این نوع احکام و مجازاتها است. علیه اعتصاب و اعتراض که جرم نیست بلکه حق پایه ای هر کارگرسر مجازاتی اعمال میکنند که مجازات نیست، مصداق کامل شکنجه و بربریت

حدود ده روز پس از اجرای حکم شلاق علیه ۱۷ کارگر معدن آق دره، کارگران معدن ذغال سنگ بافق نیز به ۳۰ تا ۵۰ ضربه شلاق تعلیقی محکوم شدند. "جرم" این کارگران شرکت در اعتصاب در اعتراض به خصوصی سازی معدن است!

این حکم ظاهرا علیرغم و در پاسخ به موج محکومیتها و اعتراضات وسیعی که اجرای شلاق علیه کارگران آق دره بدنبال داشت صادر شده است. تحت فشار این اعتراضات وزیر کار ناگزیر شد مدیر کل کار استان آذربایجان غربی را بر کنار بکند و اعلام کند تلاش خواهد کرد "از اینگونه اتفاقات کارگری در آینده جلوگیری شود".

در متن چنین شرایطی است که حکم شلاق تعلیقی برای کارگران بافق صادر میشود. در نگاه اول ممکن است چنین به نظر برسد که وعده وزیر کار برای جلوگیری از تکرار اتفاق آق دره و متعاقب آن صدور حکم شلاق برای کارگران بافق ناشی از درگیریها و کشمکشهای جناحی است. ظاهرا قوه قضائیه دارد جواب دولت را میدهد و به جامعه اعلام میکند که از اسلامیت و شقاوت اسلامی اش کوتاه نیامده است. همان تقسیم وظیفه همیشگی بین جناح اصلاح طلب و اصولگرا: یکی شمشیر میکشد و جنایت میکند و دیگری "آبروی نظام" را حفظ میکند. در این مورد نیز مثل همه موارد دیگر "دو بال نظام" نقش مکمل یکدیگر را ایفا میکنند. این عملا تقسیم کاری است برای حفظ تعادل و بالانس نظام جهنمی شان.

آنچه آنان را به این به این وضعیت انداخته نه اختلاف

شده است. باید با همه توان جمهوری اسلامی را برای تن دادن به خواسته‌های بیانیه مشترک تحت فشار قرار داد اما این يك مبارزه زود فرجام نیست، بلند مدت و مستلزم بسیج نیرو در يك سطح گسترده در جنبش کارگران و معلمان و در سطح کل جامعه است و دقیقا به همین دلیل ختم اعتصاب غذا علاوه بر جنبه انسانی از لحاظ مبارزاتی نیز امری ضروری و مبرم و تعیین کننده است. ختم اعتصاب غذا اجازه میدهد نگرانی عمومی در مورد وضعیت جسمی او بر طرف شود و توجه‌ها دوباره بر مضمون و هدف مبارزه، آنچه در بیانیه مشترک مطرح شده است، معطوف و متمرکز شود.

بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی از جعفر میخواهند که "با اتکا به ابعاد قدرتمندی که این کارزار پیدا کرده است و با اتکا به حمایت‌هایی که از سوی کارگران در ایران و در سطح جهانی از او و از خواسته‌هایش شده است، به اعتصاب غذایش پایان دهد. به او قول میدهم که با اتکا به این نیرو میتوانیم همه با هم قدرتمند این کارزار را جلو ببریم".

این گفته و این قول به ادامه قدرتمند کارزار صرفا يك ابراز وفاداری و تجدید عهد نیست بلکه بیانگر این واقعیت مهم است که بطور واقعی و عینی تداوم و گسترش مبارزه در گرو تمرکز و تاکید بر مضمون خواسته‌هایی است که اکنون بطور اجتناب ناپذیری تحت الشعاع مساله سلامتی جعفر قرار گرفته است.

بیانیه مشترک در واقع کیفرخواست کارگران و معلمان علیه نظام جمهوری اسلامی و وضعیت موجود و پلاتفرم مشترک همه جنبشها و اعتراضات حق طلبانه در ایران است. لازمست مدام یادآوری و تاکید کرد که این اعتراضی است علیه "امنیتی کردن فعالیت‌های صنفی و تجمعات و اعتصابات کارگران و معلمان، دستمزدهای زیر خط فقر، ممنوعیت برگزاری مستقلانه و آزادانه روز جهانی کارگر و روز جهانی معلم، عدم شفافیت و عمل موثر سازمان جهانی کار ILO در قبال نقض حقوق بنیادین کارگران و معلمان ایران و با خواست خارج کردن اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور" و دیگر اتهامات امنیتی از پرونده‌های مفتوح کارگران و معلمان معترض و برداشتن اینگونه اتهامات جعلی و ساختگی از پرونده‌های خود و دیگر فعالین کارگری و معلمان زندانی" (از بیانیه مشترک)

بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی و ده‌ها فعال جنبش کارگران و معلمان، جنبش آزادی زندانیان سیاسی و ده‌ها تشکل کارگری در ایران و در سطح جهانی در این اعتراض با جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی همراه و هم‌رزم اند و درخواست بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی درخواست مشترک همه این فعالین و نهادها است.

کارگران در هفته ای که گذشت



شela دانشفر

رویدادهای برجسته:

ادامه کارزار در حمایت از جعفر عظیم زاده و خواستهایش،

ادامه کارزار در اعتراض به اجرای احکام قرون وسطایی

شلاق در قبال کارگران معدن طلای آق دره،

کارزار برای اخراج رژیم اسلامی از سازمان جهانی کار

و حمایت های بین المللی

نگاهی به اعتراضات مهم کارگری در هفته ای که گذشت

ادامه کارزار در حمایت جعفر عظیم زاده و خواستهایش

کارزار در حمایت از جعفر عظیم زاده و خواستهایش ادامه دارد. آخرین خبرها از وضعیت وی حاکی از اینست که اعتصاب غذای وی که از ۱۰ اردیبهشت شروع شده است، ادامه دارد. این موضوع موجب نگرانی خانواده و همگان شده است. در رابطه با این موضوع بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی دو تن از فعالین کارگری سرشناس در زندان، طی نامه ای تحت عنوان "در همبستگی با جعفر عظیم زاده و خواستهایش، با ابراز نگرانی از وضعیت جعفر عظیم زاده، ضمن اعلام حمایت از خواستهای او، خواستار پایان دادن به اعتصاب غذای وی شده اند. در بخشی از این نامه چنین آمده است: "بیانیه جعفر عظیم زاده و اسماعیل

عبدی علیه فقر، علیه بی تامينی و برای يك زندگي انسانی بود و يك خواست مهم آن لغو پرونده های مفتوحه برای کارگران، معلمان و همه فعالین سیاسی با اتهاماتی چون "اخلال در نظم و امنیت ملی" بود و اینها خواستهای کارگران، معلمان و همه مردم است. تحت چنین اتهاماتی بسیاری از فعالین کارگری، معلمان معترض و کسانی چون ما تحت پیگرد قرار گرفته و احکام سنگین زندان گرفته اند. از همین رو این بیانیه حرف دل همه ماست و تا هم اکنون نیز با موجی از حمایت پاسخ گرفته و به يك حرکت مهم اجتماعی تبدیل شده است. ما با تمام قوا همراه این کارزار هستیم و از همگان می خواهیم که به حمایت وسیع خود از این بیانیه و از جعفر عظیم زاده و خواستهایش تداوم دهند و فراخوانمان اینست که همه جانبه تر و

وسیع تر از آنچه کرده ایم، برای تحقق این خواستها بکوشیم و به این شکل حمایت قاطع و عملی خود را از جعفر عظیم زاده و خواستهایش اعلام کنیم. نکته مهم آخر ما خطاب به جعفر عزیزمان است. ما نگران حالش هستیم و اکیدا می خواهیم که با اتکا به ابعاد قدرتمندی که این کارزار پیدا کرده است و با اتکا به حمایت هایی که از سوی کارگران در ایران و در سطح جهانی از او و از خواستهایش شده است، به اعتصاب غذایش پایان دهد. به او قول می دهیم که با اتکا، با این نیرو میتوانیم همه با هم قدرتمند این کارزار را جلو ببریم."

بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی در این نامه با تاکید بر حمایت از خواستهای جعفر عظیم زاده و بطور مشخص خواست لغو پرونده های مفتوحه برای کارگران، معلمان و فعالین سیاسی تحت عنوان "اخلال در نظم و امنیت ملی، و کارزاری وسیعی که حول آن شکل گرفته است، خواستار پایان دادن به اعتصاب غذای جعفر و ادامه این اعتراضات در اشکالی دیگر و با صفتی قدرتمندتر شده اند. درخواست این دو فعال کارگری از جعفر عظیم زاده، هم به لحاظ حفظ سلامت جعفر و هم به لحاظ تداوم قدرتمند این کارزار راه درستی را در مقابل قرار میدهد.

از سوی دیگر در این هفته در روز ۱۶ خرداد جمعی از فعالین معلم و اعضا، اکنون صفتی معلمان به دیدار خانواده جعفر عظیم زاده رفتند و با خانواده وی و تعدادی از اعضا، اتحادیه آزاد کارگران ایران که در آنجا حضور داشتند به بحث پیرامون وضعیت جعفر عظیم زاده و جنبشی که به دنبال بیانیه

مشترک رهبران زندانی جنبش کارگری و معلمان حول اعتراض به امنیتی کردن فعالیتهای صنفی و اجتماعی شکل گرفته است، پرداختند. در این دیدار، حاضرین بر اهمیت پیوند خوردن مبارزات بخشهای مختلف طبقه کارگر و تلاش برای ناکام کردن جریاناتی که با اشاعه افکار تفرقه افکنانه برای خدمت گذاری به طبقه حاکم سرمایه دار سعی می کنند این بخشها، بخصوص معلمان و کارگران را از هم تفکیک نمایند، هشدار داده و به عنوان موضوع عاجل جنبش، بر ادامه مبارزه متحدانه برای آزادی جعفر عظیم زاده تاکید نمودند.

در سطح بین المللی نیز در این هفته نامه هایی حمایتی از سوی اتحادیه های کارگری از جمله اتحادیه کارگران کشتیرانی و ساختمان در استرالیا، جان کلارک رهبر ائتلاف علیه فقر در کانادا، و شورای اتحادیه های کارگری در ونکوور در کانادا منتشر گردید. موضوع این نامه ها، حمایت از جعفر عظیم زاده و خواستهایش، حمایت از کارگران زندانی و خواست آزادی آنها و همه زندانیان سیاسی، محکوم کردن جمهوری اسلامی بخاطر اجرای احکام عصر حجری شلاق در قبال کارگران آق دره و اعتراض به عضویت رژیم اسلامی در سازمان جهانی کار بود. از جمله پل مک لی رئیس واحد سبندی اتحادیه کشتیرانی در این کشور طی نامه ای شدید الحن به سازمان جهانی کار انزجار خود را از سکوت این سازمان در قبال توحش و بربریت رژیم اسلامی نسبت به کارگران و نقض پایه ای ترین حقوق آنان اعلام داشته و ضمن حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران، خواستار لغو عضویت جمهوری اسلامی در سازمانی جهانی کار شده است. همچنین جان کلارک طی سخنرانی ای پر شور در آکسیون اعتراضی در تورنتو در کانادا در حمایت از جعفر عظیم زاده و تمامی کارگران زندانی در ایران، ضمن اعلام حمایت و پشتیبانی گرم خود از کارگران در ایران، انزجار خود را از سرکوبگری های رژیم اسلامی و از جمله اجرای حکم شلاق در قبال کارگران اعلام داشته و خواستار لغو عضویت آن در سازمان جهانی کار شد. کارزار در

حمایت از جعفر عظیم زاده و خواستهای او ادامه دارد. آخرین خبرها از وضعیت وی حاکی از اینست که اعتصاب غذای وی که از ۱۰ اردیبهشت شروع شده است، ادامه دارد. این موضوع موجب نگرانی خانواده و همگان شده است. در رابطه با این موضوع بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی دو تن از فعالین کارگری سرشناس در زندان، طی نامه ای تحت عنوان "در همبستگی با جعفر عظیم زاده و خواستهایش، با ابراز نگرانی از وضعیت جعفر عظیم زاده، ضمن اعلام حمایت از خواستهای او، خواستار پایان دادن به اعتصاب غذای وی شده اند. در بخشی از این نامه چنین آمده است: "به باور ما زیر این فشارها است که مدیر کل اداره کار و تعاون آذربایجان غربی تحت عنوان به اطلاع ای از اجرای حکم برکنار شدن. اما برکناری وی کافی نیست. بلکه باید صورت چنین احکامی ممنوع شود و کسانی که شلاق زده اند و صادرکنندگان چنین احکامی باید محاکمه بشوند. در عین حال باید خواستهای برحق کارگران معدن طلای آق دره فوراً پاسخ داده شود. این اولین بار نیست که شاهد صدور چنین احکامی شنیعی در قبال کارگران و نه فقط کارگران، بلکه جوانان، زنان و مردم معترض دیگر بوده ایم. حرف ما زندانیان سیاسی، حرف ما مردم اینست که شلاق زنی موقوف."

قبلا نیز در همین رابطه تشکلهای کارگری چون اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای شرکت واحد، و نیز کانون نویسندگان ایران نامه دادند و کیفرخواست خودشان را در قبال این

کارزار علیه اجرای احکام وحشیانه شلاق علیه کارگران آق دره

اجرای احکام وحشیانه شلاق علیه کارگران آق دره همانطور که قبلا نیز اشاره کرده ام، اکنون به کارزار اعتراضی مهمی تبدیل شده است. کارزاری که در آن کارگران با اعلام اینکه این شلاق سرمایه داران است که در پناه قوانین مجازات اسلامی به بدن کارگران زده شد، کل توحش حاکمیت سرمایه و دستگاه قضایی رژیم اسلامی و قوانینش را که تماما در خدمت صاحبان سرمایه است به چالش کشیده اند.

در این هفته تعدادی از زندانیان سیاسی از زندان رجایی شهر به اسامی ابراهیم فیروزی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده، مهدی عظیمی، وحید موسوی، امین حسن وند سیار، حسن کاکاوند طی نامه ای تحت عنوان "شلاق زدن موقوف" انزجار خود را از این عمل شنیع و وحشیانه اعلام داشتند. در این نامه به اعتراضات گسترده علیه این عمل وحشیانه و برکناری مدیر کل اداره کار آذربایجان غربی زیر فشار این اعتراضات اشاره شده و در بخشی از آن چنین آمده است: "به باور ما زیر این فشارها است که مدیر کل اداره کار و تعاون آذربایجان غربی تحت عنوان به اطلاع ای از اجرای حکم برکنار شدن. اما برکناری وی کافی نیست. بلکه باید صورت چنین احکامی ممنوع شود و کسانی که شلاق زده اند و صادرکنندگان چنین احکامی باید محاکمه بشوند. در عین حال باید خواستهای برحق کارگران معدن طلای آق دره فوراً پاسخ داده شود. این اولین بار نیست که شاهد صدور چنین احکامی شنیعی در قبال کارگران و نه فقط کارگران، بلکه جوانان، زنان و مردم معترض دیگر بوده ایم. حرف ما زندانیان سیاسی، حرف ما مردم اینست که شلاق زنی موقوف."

قبلا نیز در همین رابطه تشکلهای کارگری چون اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای شرکت واحد، و نیز کانون نویسندگان ایران نامه دادند و کیفرخواست خودشان را در قبال این

توحش و بربریت اعلام داشتند.

صدور محکومیت تعلیقی برای ۹ کارگر معدن بافق

دادگاه کیفری یزد بعد از سه بار تشکیل دادگاه سرانجام در این هفته احکامی تعلیقی در قبال ۹ کارگر معدن بافق یزد صادر کرد. بنا بر این حکم محمد حسن تشکری که عضو شورای اسلامی شهر است به ۱۱ ماه حبس و ۵۰ ضربه شلاق تعلیقی به مدت ۵ سال و "متهم ردیف دوم" به ۵ سال حبس تعلیقی به مدت ۵ سال محکوم شدند. البته این حکم اولیه است و ظرف ۲۰ روز فرصت هست که به آن اعتراض شود. قضیه از این قرار است که بدنبال مبارزات با شکوه ۵ هزار کارگر بافق یزد در سال گذشته و شهر بافق را به تحرکت در آورد و انعکاس وسیعی در جامعه داشت، ۹ کارگر این معدن تحت عنوان "اخلال در نظم و امنیت ملی و..." تحت پیگرد قرار گرفتند. این کارگران سه بار به دادگاه احضار شدند، اما بر پا شدن زمره اعتراض در میان کارگران و در واقع شهر بافق، آنان را محتاط کرد. و اکنون با صدور حکم تعلیقی بطور واقعی جا خالی داده اند، چون از اجرای چنین احکامی آنهم در محلی چون بافق یزد که تجربه مبارزات متحد این کارگران و مردم این شهر در مقابل چشم همه است، هراس دارند. به عبارت روشنتر حکم تعلیقی دادند، چون جرات اجرایش را ندارند. ضمن اینکه با صدور این احکام می خواهند چماقشان را روی سر کارگران نگاه دارند. خصوصا بعد از اجرای حکم شلاق در قبال ۱۷ کارگر معدن آق دره که با موجی از اعتراض روبرو شد، تا جایی که در مباحث کنفرانس جهانی آی ال او که در جریان است، انعکاس داشت، اینان از یکطرف محتاط و در هراس هستند و از سوی دیگر برای اینکه نشان دهند که قوانین مجازات اسلامی و عصر حجری شان جاری

متن پیاده شده سخنرانی مینا احدی آلمان ...

از صفحه ۳

وسطی است.

دست کشیده اند یا طبق قوانین اسلامی گناهکار شناخته میشوند. ما می خواهیم که نه فقط برای کسانی که میگویند من آتئیست هستم بلکه برای کسانی که همجنسگرا هستند برای کسانی که مسیحی هستند، امنیت برای کسانی که دوست دختر دوست پسر دارند، امنیت برای زنانی که حجاب سرشان نمیکنند، برقرار باشد. نه اینکه همان قوانین و همان فشار در کشورهای مبدا را این بار از دست تعدادی ریش و پشم دار اسلامی مردم تجربه کنند و از آنها بترسند. در آلمان ما خواهان این هستیم که کسانی که اذیت می کنند کسی که صبح افراد را در هایم ها بیدار میکند و میگوید بیا این قرآن بیا نمازت را بخوان همه اینها باید مورد پیگرد قانونی بگیرند. آنهایی که تهدید جانی کردند نامه تهدید امیز نوشته اند در کشور آلمان یعنی اگر ما بتوانیم خوب کار کنیم تعداد زیادی را جلب کنیم اگر فیسبوسی بگذاریم که هزاران نفر لایک کنند این فشار عظیمی هست روی جامعه بر روی مطبوعات که عکس العمل نشان دهند.

ما میگویم همین الان یک میلیون نفر پناهجو وارد آلمان شده اند، یک میلیون انسان مستقل از تعلق مذهبی قومی، مستقل از رنگ پوست اینها انسان هایی هستند که گذشته دارند، آینده دارند، آرزو دارند، مشکلاتی دارند که از نظرم هر کدام از این افراد یک داستان پشت سر خود دارند، داستان زندگی، زندگی دراماتیک تو کشورهای اسلامزده. زندگی که آزادی نداشته، زندان رفته، مبارزه کرده به زور راههای خیلی طولانی را طی کرده و توانسته با هر فشار و مشکلی بوده وارد کشور آلمان بشود. این آدم حق دارد اینجا آب خوش از گلویش پایین برود. حق دارد زندگی کند، حق دارد پناهندگی بگیرد ولی اگر مشکل هست

بنابراین باید متشکل شده و از حقوق همه پناهندگان دفاع کنیم.

در آلمان سیاست ما همواره این بوده علیه سازمانهای دست راستی و ضدخارجی فعالیت کرده و علیه چپ های سنتی و پرو اسلامی بوده و از حقوق همه پناهندگان دفاع کرده ایم. ما گفته ایم مذهب باید امر خصوصی افراد باشد. و گفته ایم جنبش اسلامی اجازه ندارد بزور حجاب را بر زنان در اروپا تحمیل کند، اجازه ندارد جدا سازی را تحمیل کند، و همه این افکار مترقی و مدرن مورد توجه و حمایت مردم آلمان قرار گرفته است.

بنا بر این یکبار دیگر از همه پناهندگان دعوت میکنیم با ما تماس بگیرند. اگر قبول دارید که قوانین باید سکولار باشد و رفتاری سکولار با همه پناهندگان داشته باشند. این حرکت کمک خواهد کرد که به یک جنبش بزرگ دامن بزنیم. جنبشی برای دفاع از جامعه مدنی و سیویل، در دفاع از همزیستی بلون تنش در جامعه آلمان. از یکطرف اسلامیه را در مساجد تبلیغ میکنند آلمانیها نجس هستند و از طرف دیگر راستها تبلیغ میکنند که همه مسلمانان تروریست و یا عقب مانده هستند و باید اخراج شوند.

ما میتوانیم جلوی رشد جریانات اسلامی و دست راستی در آلمان را بگیریم. اینجا ترس مردم این هست که جوانان به سوریه رفته و تروریست میشوند و بر میگردند. جامعه آلمان احتیاج به ما دارد. پرچمی که از حقوق برابر همه مردم دفاع میکند و در مقابل راسیسم و جنبش ارتجاعی اسلامی ایستاده و از زندگی انسانی برای همه دفاع میکند.

ما میتوانیم کمک کنیم جامعه آلمان سکولارتر بشود. در اینجا چون کلیسا نقش دارد اسلامیهها هم ادعای سهم میکنند. ما خواهان قطع دست مذهب و همه مذاهب از دولت و آموزش و پرورش هستیم. در این موارد نظرات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

کارگران در هفته ای ...

از صفحه ۶

است، در قبال کارگران بافق یزد نیز حکم شلاق صادر کرده اند. اما اجرایش را برای ۵ سال تعلیق گذاشته اند، چون میدانند که اجرای چنین احکامی چگونه کارگران معن بافق یزد و شهر بافق را میتواند به حرکت در آورد. میدانند که این کار چگونه میتواند به موج اعتراضی که علیه شلاق زدن بر ۱۷ کارگر آق دره به راه افتاده است، شدت دهد و برایشان گران تمام شود. نکته اینجاست که در برابر صدور چنین احکامی نباید ساکت نشست.

ادامه قدرتمند کارزار علیه احکام وحشیانه شلاق زنی، این احکام عصر حجری رژیم اسلامی و قوانین مجازات اسلامی اش، پاسخ درخور به این توحش است. ۵ هزار کارگر بافق یزد و مردم این شهر با پیوستن به این کارزار و طومارهای اعتراضی شان، میتوانند کاری کنند که این گستاخی حکومت، بهای سنگینی برایشان داشته باشد. بساط شلاق زنی و کل این توحش را باید جارو کرد.

اعتراضات گسترده کارگری در هفته ای که گذشت

اعتراضات کارگری همچنان گسترده است. نمونه هایی از این اعتراضات به لحاظ خواستهها، شرکت خانواده ها، و شکل اعتراض برجستگی دارد. از جمله یکی از اعتراضات مهم در هفته گذشته تجمع اعتراضی جمعی از معلمان بازنشسته در مقابل ساختمان دیوان عدالت اداری در نوزدهم خرداد بود. دو شعار مهم خط فقر سه میلیون، حقوق ما یک میلیون، بیمه رایگان برای بازنشستگان که بر روی بنرهایشان نوشته شده بود، جایگاه مهمی به این حرکت اعتراضی میداد. شعارهایی که اعتراض کل جامعه به زندگی زیر خط فقر را بیان کرده و بر خواستههای مهمی چون افزایش دستمزدها به بالای خط فقر و درمان رایگان تاکید دارد. شعارهایی که منتهاست کارزاری حول آن شکل گرفته است و در این کارزار بطور واقعی کارگران و معلمان در کنار یکدیگر قرار دارند. "معیشت و منزلت حق مسلم ماست" شعار مهم

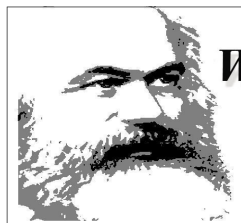
دیگر معلمان بازنشسته در این حرکت اعتراضی بود که در واقع بیانگر توقع و خواست واقعی آنان است. تعداد تجمع کنندگان در این حرکت اعتراضی به بیش از یکصد نفر میرسید که از تهران، کرج و کرمانشاه در این محل گرد آمده و پیگیر خواستههایشان بودند. همچنین یک خواست مشخص معلمان بازنشسته همسان سازی حقوقشان با بازنشستگان سایر نهادها است و به تبعیض اعتراض دارند.

نمونه مهم دیگر از اعتراضات کارگری در هفته ای که گذشت، تجمع اعتراضی کارگران شهرداری بر وجود به همراه خانواده هایشان در ۱۶ خرداد بود که ابعاد اجتماعی تری به این حرکت اعتراضی داده و انعکاس وسیعی در شهر داشت. در هفته گذشته کارگران شهرداری در شهرهای اقلید، بروجرد، اراک و بزازان نیز تجمعات اعتراضی داشتند و بویژه تجمع اعتراضی همزمان کارگران شهرداری و فضای سبز اهواز در مقابل فرمانداری باعث شد که توجه مردم شهر را بیش از پیش به خود جلب کند.

یک نمونه دیگر از اعتراضات کارگری که در دو هفته اخیر خبر ساز بوده است، تجمعات اعتراضی ۳۰۰ کارگر بازنشسته I.T.I برای مطالبات پرداخت نشده شان است. این کارگران از سوم خرداد تا کنون با چادر زدن در محوطه کارخانه در اعتراض بسر میبردند.

همچنین در هفته گذشته ۸۰۰ کارگر مخابرات در لرستان، در هماهنگی با کارگران مخابرات در چند شهر دیگر در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در محوطه شرکت دست به تحصن زدند.

و بالاخره در هفته گذشته کارگران پترو پارس فاز ۱۹ عسلویه بعد از تجمعات پی در پی شان موفق شدند بخشی از طلبهایشان را بگیرند. علاوه بر این اعتراضات، کمپرسور سازی تبریز، کاشی طوس، شرکت تأسیسات دریایی خرمشهر نیز از دیگر کانون های داغ اعتراضات کارگری در هفته گذشته بودند. بدین ترتیب هفته گذشته هفته ای پر جنب و جوش از اعتراضات کارگری در شهرهای مختلف بود.



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

نامه هایی از همبستگی جهانی کارگری با کارگران ایران

۱- نامه شورای اتحادیه های کارگری ونکور (کانادا) در نامه ای به گای رایبر مدیر کل سازمان جهانی کار خواهان دخالت این سازمان در مورد نقض آشکار حقوق کارگران در ایران شد

۲- نامه شورای اتحادیه های کارگری ونکور (کانادا) در نامه ای به جمهوری اسلامی و خواست آزادی کارگران و معلمان زندانی

۳- نامه اتحادیه کارگران کشتیرانی جمهوری اسلامی در حمایت از جعفر عظیم زاده و در اعتراض به شلاق زنی کارگران توسط جمهوری اسلامی

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۴ خرداد ۱۳۹۵، ژوئن ۲۰۱۶

Shahla. Daneshfar2@gmail.com

http://free-them-now.com

نامه های شورای اتحادیه های کارگری ونکور (کانادا)

بدنبال تماس مسعود ارزنگ از اعضای کمپین برای آزادی کارگران زندانی، شورای اتحادیه های کارگری ونکور طی نامه ای خطاب به گای رایبر مدیر کل سازمان جهانی کار خواهان دخالت این سازمان در مورد نقض حقوق پایه ای کارگران در ایران شد. در این نامه که روز ۲ ژوئن با امضای جوی هارتمن پریزیدنت این اتحادیه برای شهلا دانشفر ارسال شده، آمده است:

جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» و اتهامات امنیتی دیگر محکوم شده اند. اینها از نوع اتهامات تپییکی است که بطور روتین توسط جمهوری اسلامی برای مقابله با متحد و متشکل کردن کارگران بکار گرفته میشود.

تعداد دیگری از کارگران و معلمان نیز بطریقی مشابه بعنوان زندانی سیاسی نگهداری میشوند مانند بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی، علیرضا هاشمی، محمود بهشتی، رسول بدایقی، محمود صالحی، عثمان اسماعیلی، داود رضوی و رضا شهابی. شرایط نگهداری زندانیان نیز غیر انسانی است. بعنوان مثال آنها دائما از

امکانات درمانی محروم میشوند، آب داغ اغلب بسته است، اذیت و شکنجه و مرگ در زندان نیز روتین و معمولی است.

این اقدامات ناقض حقوق بشر و در تقابل با سیاست آی ال او است. از جمهوری اسلامی بعنوان عضوی از آی ال او باید خواسته شود به این حقوق احترام بگذارد و از شما میخواهیم که مواضع آی ال او در مورد این موضوعات را نسبت به جمهوری اسلامی اعمال کنید

این شورا همچنین در تاریخ ۲ ژوئن نامه دیگری با همین مضمون برای جمهوری اسلامی ارسال و در آن اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را ناقض حقوق بشر و در تقابل با سیاست آی ال او دانسته و مینویسد: «بعنوان عضوی از سازمان جهانی کار از جمهوری اسلامی انتظار دارد که به این حقوق احترام بگذارد و مطابق این قوانین این زندانیان را آزاد کند و به حقوق کارگران برای متشکل شدن و قراردادهای جمعی و حق اعتصاب برای بهبود شرایط شان احترام بگذارد.»

نامه اتحادیه کارگری استرالیا به مقامات جمهوری اسلامی در حمایت از جعفر عظیم زاده و در اعتراض به شلاق زنی کارگران معن طلای تکاب در ایران

بدنبال تماسهای ارسال ناظری از اعضای کمپین برای آزادی کارگران زندانی روز ۳۱ مه اتحادیه کارگری استرالیا طی نامه ای خطاب به مقامات جمهوری اسلامی ضمن اعلام نگرانی خود نسبت به وضعیت جعفر عظیم زاده، به شلاق زدن کارگران معن طلای تکاب اعتراض کرد و در آن نگرانی عمیق خود را در مورد بی حقوقی کارگران در ایران اعلام داشت. متن ترجمه فارسی نامه اتحادیه کارگران ساختمان، جنگل و مراتع، انرژئی و معدن استرالی را در زیر میخوانید:

۳۱ مه ۲۰۱۶

اتحادیه کشتیرانی استرالیا خواستار لغو عضویت رژیم اسلامی

در سازمان جهانی کار شد

اعمال تروریستی کارفرمایان علیه کارگران است. این دیگر به چه منوالی است که همه این اتفاقات و موارد به رویت شما رسیده است اما ایران عضو سازمان جهانی کار باقی مانده است. سازمان جهانی کار چه اقداماتی بعمل آورده است تا اطمینان حاصل کند که ایران و کارفرماها و عواملش از ضدیبت با کارگران دست بر دارند و بیعدالتی در قبال آنان پایان پذیرد و تضییع حقوق پایه ای انسان، اختناق و همه دیگر اشکال اعمال بربریت به همین منوال ادامه نیابد.

اعدام کارگران، کتک کاری، شلاق و تازیانه زدن آنان، استثمار زشت و شنیع کودکان کار، ارباب و تهدید کارگران، تضییع حقوق مسلم و پایه ای کارگران مانند حق تشکل، حق آزادی ابراز عقیده سیاسی و خیلی موارد دیگر، از زمره اتفاقات روزمره در ایران است. همه این موارد به اطلاع سازمان جهانی کار رسانده شده است. یقینا فقدان یک اقدام اساسی و جدی علیه ایران، حاکی از همدستی و شریک بودن در این جرایم است. این باعث شرم و سرافکندگی یک سازمانی مثل سازمان جهانی کار و سازمان هایی است که مبلغ ارزش ها و اصول کارگری می باشند. که آگاهانه چشم شان را به

رهبر جمهوری اسلامی ایران

ایت الله سید علی خامنه ای

رئیس جمهور اسلامی ایران حسن روحانی

وزارت دادگستری

هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران مستقر در سازمان ملل واحد عمومی استان نیو سات ولس اتحادیه ساختمان، جنگل و مراتع، انرژئی و معدن که بزرگترین اتحادیه کارگری استرالیا می باشد و کارگران این واحدهای صنعتی را تحت پوشش دارد، این نامه را برایتان می نویسد و نگرانی عمیق خود در مورد بی حقوقی کارگران در ایران را ابراز می دارد.

ما این نامه را برایتان می نویسیم تا بگوییم که نگران سلامتی و تندرستی زندانی سیاسی جعفر عظیم زاده فعال حقوق کارگری که الان مدت ۳ هفته است در زندان وحشتناک اوین در اعتصاب غذای نامحدود بسر می برد، هستیم. عظیم زاده در نوامبر سال قبل به جرم شرکت در فعالیت های مشروع کارگری دستگیر شده و در حال حاضر حکم شش ساله زندان خود را طی می کند. او بمنظور نائل شدن به مطالباتی از جمله توقف اجرای حکم فعلی و بررسی مجدد درخواست او مبنی بر رد اتهام فعالیتش بر علیه امنیت ملی، دست به اعتصاب غذا زده است. (لازم به توضیح است که جعفر عظیم زاده در این روز ۳۳ روز بود که در اعتصاب غذا بسر میبرد که در نامه این اتحادیه به اشتباه سه هفته ذکر شده است)

ما همچنین این نامه را در مورد شلاق زدن به ۱۷ نفر از کارگران معن آق دره تکاب در غرب غرب ایران که با شکایت و درخواست کارفرمای مربوطه و بخش حراست بوقوع پیوست و هر کارگری بین ۳۰ تا ۱۰۰ ضربه شلاق خورد، مینویسیم. این اولین باری نیست که کارگران در ایران شلاق میخورند. ما انزجار خود نسبت به استثمار وحشیانه کارگران در ایران و محرومیت آنان از حق تشکل و اعتراض که در بیشتر کشورهای دنیا پذیرفته شده است، را ابراز می داریم.

ارادتمند شما

روی واقعبت می بندند.

واحد سیدنی اتحادیه کشتیرانی استرالیا ایران را برای ادامه توحش نسبت به کارگران و فعالین کارگری محکوم می کند. در عین حال ما تمام افراد و سازمانهایی را که اجازه می دهند چنین بربریت بر علیه کارگران در ایران ادامه یابد را بدون اینک هیچ کمپینی برای لغو قوانین ضد کارگری پیش برند، محکوم می نماییم.

ما سازمان جهانی کار را عاجلا فرا می خوانیم که عضویت ایران از سازمان جهانی کار را لغو نماید. ما سازمان جهانی کار را عاجلا فرامی خوانیم تا از ایران فوراً بخواهد که همه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی را آزاد کند و همه قوانینی را که اعدام ها و زندانی نمودن و همه تشبیهات دیگر دولت و کارفرماها را مجاز می نماید، لغو نماید و قوانینی را وضع نماید که حافظ حقوق انسان و دسترسی به همه حق و حقوق آنان باشد.

اگر مایلید که روی این موضوعات مباحث کنیم لطفاً از تماس با من دریغ نفرمایید.

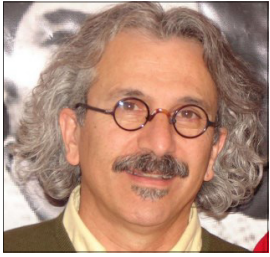
با احترام

پل مک لی

رئیس واحد سیدنی اتحادیه کشتیرانی استرالیا

از ما میپرسند؟

چرا هنوز به دیکتاتوری پرولتاریا معتقدید؟



آن دیکتاتوری پرولتاریا اطلاق شده این است.... و ما همچنان از آن دفاع میکنیم." می‌خواهم بگویم تعصب روی فرمول نیست، تعصب روی محتوای بحثی است که آنجا هست. این که هر حکومتی طبقاتی است، هر حکومتی یک نوع دیکتاتوری است، و نبود دیکتاتوری به معنی زوال دولت است نه بمعنی دولت پارلمانی. بخصوص این کشور که خیلی دیکتاتوری است. در این کشور انگلستان دیکتاتوری دارد بیداد میکند. اگر شما با رئیس یک حزبی مخالف باشید چه بسا نتوانید خودتان را کاندید و کالت مجلس بکنید. و اگر پول سپرده معینی را نداشته باشید نمیتوانید بروید خودتان را کاندید و کالت مجلس بکنید. و نماینده "شین فین" اگر در وفاداری به ملکه قسم نخورد در پارلمان هم راهش نمیدهند، تازه در خود پارلمان چقدر تصمیم گرفته میشود بجای خودش محفوظ. (منصور حکمت؛ مبنای کمونیسم کارگری، سمینار دوم، انجمن مارکس، ژانویه ۲۰۰۱)

حاکم کرده است. حکم شلاق کارگران بافق میتواند و باید آخرین مورد چنین گستاخی هائی از جانب جانبداران حاکم باشد.

باید با تمام قوا برای لغو مجازات وحشیانه شلاق، امحای کل سیستم قضائی جمهوری اسلامی و زیر کشیدن حکومت قرون وسطائی که برای بقای خود به چنین ماشینی آدم کشی ای متکی است مبارزه کرد.

۴۰٪ آراء را بیاورند، آن ۴۰٪ از ۴۰٪ تعیین میکنند که وکیل آن شهر کی هست. ۴۰٪ در انتخابات شرکت میکنند، ۴۰٪ آنها به New Labour رأی میدهند، ایشان با ۲۴٪ آراء آن شهر تنها نماینده‌اش میتواند باشد.

این سیستمی است که الان هست. سیستم شورایی متکی به این است که شما هر روز در شورای منطقه و محلات عضو هستید، خودتان را برای هر پستی کاندید میکنید، احتمالاً تعداد انتخاباتهایی که یک فرد باید در چهار سال بکند، پنجاه برابر بیشتر از انتخاباتهایی است که یک فرد در نظام پارلمانی باید در آن شرکت بکند. بعلاوه اینکه از همان اول خودش در ساختار سیاسی دخیل است. آن شورا هم مقننه است و هم مجریه. در نتیجه بحث دیکتاتوری پرولتاریا بحث حق رأی یا حقوق مدنی نیست، بحث اینکه افق و برنامه اجتماعی کدام طبقه مبنای است، و تصمیمات بر مبنای کدام برنامه اجتماعی دارد صورت میگیرد.

بنابراین ما پای این شعار هستیم. منتها دقیقاً بخاطر اینکه تعیین مردم از دیکتاتوری به نسبت صد و پنجاه سال پیش فرق کرده و وقتی مردم میگویند دیکتاتوری، یاد پینوشه یا شاه یا مارکوس یا حکومت ایران میافتند، ما اینطوری در برنامه ما گفتیم که: "حکومت کارگری که در ادبیات کمونیستی به

آن دارد پیاده میشود. برای همین است که جابجایی دیکتاتوری پرولتاریا با دیکتاتوری بورژوازی هم از طریق یک ضد انقلاب میتواند عملی شود نه از طریق انتخابات. عملاً تنها راهی که شما میتوانید در انگلستان برای مثال لغو مالکیت خصوصی را تبدیل کنید به یک موضوعی که مردم در باره‌اش اظهار نظر کنند این است که از پروسه پارلمانی فراتر بروید. بر سر خشونت آمیز بودن و خشونت آمیز نبودن پروسه سیاسی نیست. بحث سر این است که آیا پارلمانی هست یا نه؟ هیچوقت در چهار چوب نظام پارلمانی شما با مسأله "سوسیالیسم آری یا نه" روبرو نمیشوید که بروید به آن رأی بدهید. ولی در جامعه انگلستان هم برای اینکه مردم بخواهند سوسیالیسم را به کرسی بنشانند باید از پارلمان فراتر بروند و کاری بکنند خارج از ساختارهای سیاسی موجود.

در جامعه سوسیالیستی هم همینطور است. تا وقتی کسی نیاید آن را بر بینه‌انداز آن دیکتاتوری پرولتاریا است، که البته به مقوله زوال دولت میپردازم، منتها دیکتاتوری پرولتاریا بمعنی "دیکتاتوری بمعنی روزمره کلمه" که در روزنامه‌ها از حکومت‌های پلیسی و نظامی و غیره حرف میزنند نیست. دیکتاتوری به این معنی نیست که حقوق مدنی آدمها لغو میشود یا محدود میشود!

برعکس! دیکتاتوری پرولتاریا جامعهای است که در آن حقوق مدنی آدمها بر مراتب بیشتر پاسداری میشود و آدمها بیشتر اجازه دخالت دارند. شما خودتان جنبش شورایی را در نظر بگیرید و مقایسه کنید با سیستم پارلمانی. در سیستم پارلمانی چهار سال یا پنج سال یکبار حدود ۴۰٪ تا ۶۰٪ مردم میروند در یک انتخابات یکروزه رأی میدهند. در این کشور که هر کسی بطور نسبی بیشتر رأی بیاورد، نماینده را تعیین میکنند. یعنی یک نفر ۳۰٪، یکی ۲۰٪، یکی

موضوع انتخابات آن روز نیست. انتخابات در چهارچوب مالکیت فردی دارد صورت میگیرد. در نتیجه اگر شما قبول کنید که جامعه بر اساس مالکیت فردی بر وسایل تولید و مالکیت خصوصی بر وسایل تولید است، اگر قبول میکنید که جامعه با فرض حکومتی است که ارتش دارد، دادگاه دارد، زندان دارد. اگر فرض میکنید قانون آن کشور برای مثال این تقدس را به مالکیت میدهد و یا مثلاً این جایگاه را برای اتحادیه‌ها قائل است یا دستمزد را رسمیت میدهد و حتی جامعه بر مبنای دستمزد متکی است، آنوقت دیکتاتوری معینی دارد اعمال میشود مستقل از اینکه چقدر انتخابات صورت بگیرد یا نه. این دیکتاتوری بورژوازی است که دارد اعمال میشود منتها به طرق پارلمانی دارد اعمال میشود.

دیکتاتوری پرولتاریا هم به همین معنی دیکتاتوری پرولتاریا است که برنامه اقتصادی یک طبقه دیگری مبنای جامعه است. دارند سعی میکنند مالکیت خصوصی را لغو کنند، دارند سعی میکنند تعیین تولید اجتماعی را بگذارند به عهده همه آحاد جامعه، دارند سعی میکنند مزد را وریندازند، دارند سعی میکنند مقوله پول را حذف کنند، دارند سعی میکنند به هر کس به اندازه نیازش بدهند، ولی این ممکن است بطریق انتخابات شورایی انجام بشود و هر کسی هم در آن حق رأی دارد. هر کسی در شورای شهر و محل خودش عضو است و هزار و یک جا کاندید میشود و در هزار و یک انتخابات هم شرکت میکند ولی نفس اینکه در حکومت کارگری یا در دیکتاتوری پرولتاریا همه حق رأی دارند و در شوراهای مختلف عضو و نماینده‌اند، چیزی از این کم نمیکند که این به هر حال دیکتاتوری یک طبقه است. دیکتاتوری یک طبقه است به این معنی که برنامه عمل و آلترناتیو اجتماعی یک طبقه معینی است و

علی جوادی پاسخ می دهد:

اجازه دهید در پاسخ از منصور حکمت یاری بگیرم. منصور حکمت در سمینار دوم مبنای کمونیسم کارگری به طور مفصل به این سؤال در بستر بحث مقوله "دولت" پرداخته است. میگوید:

"یک بحث دیگر ما بحث دولت است. بحث دیکتاتوری پرولتاریا، که یک موضوع تفکیک کننده گرایشات سوسیالیستی مختلف بوده. کسانی که در این مفهوم تجدید نظر میکنند و کسانی که تعیین‌های مختلفی از این میدهند. آیا ما به دیکتاتوری پرولتاریا قائلیم یا نه؟ کلاً چه به سر این فرمولبندی می‌آید؟ چون خیلی از چپها کنار گذاشتند. موقعی که این شعار دیکتاتوری پرولتاریا مطرح میشود و موقعی که در ادبیات مارکسیستی می‌آید کلمه "دیکتاتوری" این معنی که امروز ما از آن داریم، یعنی حکومت نظامی را نداشت. دیکتاتوری حتی به معنی حکومت بکار می‌رود. به معنی اینکه حاکمیتی وجود دارد و یک اراده‌ای هست که دیکته میشود. و بحث مارکس و مارکسیستها در مورد دیکتاتوری پرولتاریا این بود که جامعه به هر حال دیکتاتوری طبقاتی است. حتی در لیبرالی‌ترین حکومت‌های غربی دارد برنامه اجتماعی و اقتصادی و افق سیاسی طبقات معینی اعمال میشود. شما هر دفعه راجع به سرنوشت جامعه رأی نمیگیرید. وقتی بین سوسیال دمکراسی و محافظه کارها انتخابات میشود شما دارید در چهارچوب یک دیکتاتوری معینی باصطلاح قوه مجریه و نهادهایش را تعیین میکنید. ولی در اساس این حاکمیت که متکی است به بازار، متکی است به مالکیت خصوصی، متکی است به اصالت رقابت و اصالت فردگرایی، تغییری نمیدهد. هیچوقت در جامعه انگلستان یا آلمان یا کانادا یا آمریکا سوسیالیسم جزو موضوعات مورد بحث نیست. هیچوقت مالکیت اشتراکی یک

باز هم حکم شلاق:

از صفحه ۵

است. این ماشینی جنایت باید برچیده بشود.

کارگران و توده مردم به کل قوانین ضد انسانی حاکم و به کل سیستم قضائی اسلامی اعتراض دارند و خواهان لغو شلاق و امحای کل ماشینی آدم کشی ای هستند که جمهوری اسلامی تحت عنوان "قصاص و مجازات اسلامی" بر جامعه

یک همبستگی پر شور

در پاسخ به فراخوان کمک مالی به حزب

در پاسخ به فراخوان حزب برای یک کمپین ۵۰ هزار دلاری که هفته قبل اعلام شد مبلغ ۸۹۳۰ دلار جمع آوری شده است. هنوز ۴۱۰۷۰ دلار دیگر باقی مانده است که امیدواریم به همت دوستان حزب و کانال جدید نه تنها این مبلغ بلکه خیلی بیشتر از این مبلغ جمع آوری شود. با قدرانی از دوستانی که در این هفته به این فراخوان جواب داده اند: هفته اول:

۱۰۰ دلار	مسعود آذرنوش
۱۵۰ پوند	شیرزاد چوپانی
۵۰ یورو	عبدل گلپریان
۱۵۰ یورو	نازنین برومند
۲۰۰ یورو	فرزانه درخشان
۱۰۰ یورو	عزیزه لطف الهی
۱۰۰۰ کرون	سرور کاردار
۱۰۰ دلار	جمال صابری
۱۰۰۰ کرون	رضا فتیحی
۵۰۰ دلار	مینا بهروزی
۵۰ یورو	محمد کریمی
۲۰۰ پوند	بهار میلانی
۱۰۰۰ دلار	سعید مدانلو
۵۰۰۰ کرون	کاوش مهران
۳۰۰۰ کرون	آذر پویا و هوشیار سروش
۵۰ یورو	فرهاد رمضانعلی
۲۰ یورو	محمود نجفی
۱۰۰ دلار	رادبو پیام
۵۰۰۰ کرون	حسن صالحی
۵۰۰۰ کرون	خلیل کیوان
۲۰۰ دلار	سعید از تورتو
۱۰۰ دلار	سمیر نوری
۲۵۰۰ کرون	فریده آرمان
۱۰۰۰ کرون	سارا محمد
۱۰۰ یورو	منیر شریف پوریان و ایرج فرجاد
۵۰۰ دلار	میترا دانشی و حمید تقوانی
۲۰۰۰ کرون	شهاب بهرامی
۱۰۰۰ کرون	مراد شیخی
۱۰۰۰ کرون	جاوید ناصری
۲۰۰ پوند	جلیل جلیلی
۱۰۰ پوند	سیاوش مدرسی
۲۰۰ پوند	بهروز بهاری
۵۰۰۰ کرون	سیامک بهاری
۳۰ یورو	بهار گلشه و خالد زارعی
۱۰۰ دلار	کیومرث صبری
۱۰۰۰ دلار	ایرج آبشار
۸۹۳۵ دلار	جمع



نمایندگان اتحادیه های کارگری استان New south Wales در استرالیا با جعفر عظیم زاده و کارگران زندانی در ایران اعلام همبستگی کردند و خواهان آزادی جعفر عظیم زاده و کلیه کارگران زندانی و اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار شدند.

کارگران و فعالین کارگری را همه جا از جمله ایران تعقیب و دنبال می کنند. نمایندگان شرکت کننده ضمن شعار دادن صحنه با شکوهی از همبستگی بر پا میکنند. ارسال ناظری از اعضای کمپین برای آزادی کارگران زندانی و کادر حزب کمونیست کارگری ایران در این اجلاس شرکت داشت و شرکت کنندگان همراه با او شعار میدادند. جعفر عظیم زاده آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد، جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کارگران و فعالین کارگری را همه جا از جمله ایران تعقیب و دنبال می کنند. نمایندگان شرکت کننده ضمن شعار دادن صحنه با شکوهی از همبستگی بر پا میکنند. ارسال ناظری از اعضای کمپین برای آزادی کارگران زندانی و کادر حزب کمونیست کارگری ایران در این اجلاس شرکت داشت و شرکت کنندگان همراه با او شعار میدادند. جعفر عظیم زاده آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد، جمهوری اسلامی از سازمان جهانی

روز ۱۰ ژوئن در نمایندگان تعدادی از اتحادیه های کارگری استان New south Wales در استرالیا در نشستی که در سالن اتحادیه های کارگری در سیدنی داشتند، حمایت و پشتیبانی خود را از جعفر عظیم زاده و کارگران زندانی در ایران اعلام داشتند. در این مراسم یکی از اعضای هیئت اجرایی اتحادیه ساختمان در سخنرانی خود با اشاره به عکس جعفر عظیم زاده نظر حاضرین را به او جلب کرده و گفت ببینید که

روز ۱۰ ژوئن در نمایندگان تعدادی از اتحادیه های کارگری استان New south Wales در استرالیا در نشستی که در سالن اتحادیه های کارگری در سیدنی داشتند، حمایت و پشتیبانی خود را از جعفر عظیم زاده و کارگران زندانی در ایران اعلام داشتند. در این مراسم یکی از اعضای هیئت اجرایی اتحادیه ساختمان در سخنرانی خود با اشاره به عکس جعفر عظیم زاده نظر حاضرین را به او جلب کرده و گفت ببینید که

20 June 2016

International Day in Support of Political Prisoners in Iran

Support families of political prisoners

سے خرداد ۱۳۹۵ - بیستم ژوئن

در حمایت از خانواده های زندانیان سیاسی

روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

www.iranpoliticalprisoners.com